

مقایسه‌ی رابطه‌ی ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار یانگ با خودشیفتگی مرضی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران

فائزه سیه‌بازی^۱، مهدی سلیمانی^۲، محمد ملکی پویا^۳

^۱ گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابی تفرش، ایران.

^۲ گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

^۳ گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابی تفرش، ایران.

نام نویسنده مسئول:

مهدی سلیمانی

چکیده

طرحواره‌های ناسازگار اولیه نتیجه تجارب بین فردی منفی در طول نخستین سال‌های زندگی در درون و بیرون خانواده است. هدف از انجام این مطالعه مقایسه‌ی رابطه‌ی ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار یانگ با خودشیفتگی مرضی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال ۹۷-۹۶ بود. حجم نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران (۷۶ مرد، ۷۴ زن) بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت کنندگان فرم پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ و مقیاس خودشیفتگی مرضی را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از روش‌های t دوگروه مستقل و u مان‌ویتنی برای مقایسه متغیرهای پژوهش، و از روش Z فیشر در محیط نرم افزار آماری SPSS به تناسب فرضیه‌های پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفتند. تایید این پژوهش نشان داد که رابطه‌ی معناداری بین ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار یانگ و خودشیفتگی مرضی وجود دارد. ارتباط یادشده در بین زنان و مردان تفاوتی معنادار نداشت؛ همچنین مقایسه‌ی میانگین نمرات زنان و مردان در این مطالعه تفاوت معناداری نداشت. و تنها در مقیاس نقص یا شرم در زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده شد. امروزه مخصوصاً از زمانی که زنان وارد بازار کار شده‌اند و دوش به دوش مردان کار می‌کنند، تفاوت‌های آن‌ها، مخصوصاً در میان افرادی با تحصیلات دانشگاهی، بسیار کم شده است. منظور از کاهش تفاوت‌های آن‌ها این است که در مقیاس‌هایی از این نوع، نتایج مشابه به دست می‌آورند.

واژگان کلیدی: ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار یانگ، خودشیفتگی مرضی.

مقدمه

اختلال شخصیت خودشیفته نوعی اختلال شخصیت است که در آن فرد خود را بزرگ و مهم می‌پندارد و به گونه‌ای غلوآمیز احساس توانایی و لیاقت می‌کند. این بیماران مرکز دنیای خود بوده، از هر جهت ویژه هستند، افاده‌ای و اسم‌پران بوده و در ذهن خود شخص مشهوری هستند. حس خودپسندی و سزاوار بودن، هرگونه نگرانی درباره نیازها، مشکلات و احساسات دیگران را از ذهن آنان خارج می‌سازد. آنان متکبر و تحکم آمیز بوده، خود را برتر از دیگران می‌دانند و از دیگران انتظار احترام و تحسین دارند. هنگامی که خود آنان و جهان اطرافشان نمی‌توانند انتظارات غیرواقع‌گرایانه و ناممکن آنان را برآورده سازند، به طور شایع دچار ناامیدی می‌شوند [۱] (آلن، ۱۳۹۲). همچنین خودشیفتگی را می‌توان به عنوان توانایی شخص برای حفظ تصویر نسبتاً مثبتی از خود، از طریق فرایندهای تنظیمی خود، عاطفه و محیط مفهوم‌سازی کرده. نیازهای اساسی افراد خودشیفته اعتباریابی، تایید و تصدیق همراه انگیزش آشکار و پنهان در جستجوی تجارب بیرونی ارتقای خود از محیط اجتماعی است. اکثر نظریه‌پردازان مطرح کرده‌اند که خودشیفتگی حالت سالم و مرضی دارد که نشان‌دهنده سازمان شخصیت سازگار و ناسازگارانه، نیازهای روانشناختی و مکانیسم‌های تنظیم‌کننده است که از تفاوت‌های فردی در نیازهای ارتقای خود و اعتباریابی ناشی می‌شود (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). [۲]

پس از بازنگری در تعریف اولیه‌ای که از طرحواره ارائه کرده بودیم به این نتیجه رسیدیم که طرحواره های ناسازگار اولیه خصوصیات زیر را دارند: الگوها یا درون مایه های عمیق و فراگیری هستند، از خاطرات، هیجانها، شناخت‌واره ها و احساسات بدنی تشکیل داده اند، در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته اند، در سیر زندگی تداوم دارند، درباره‌ی خود و رابطه با دیگران هستند و به شدت ناکارآمدند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۹) [۳]. زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. تقریباً همه کودکان در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می‌شوند و استرس و تعارضی را که به دنبال می‌آید، می‌تواند به مشکلات رفتاری-عاطفی و یادگیری در آن‌ها بینجامد. اکثر مشکلات رفتاری کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین می‌باشد. به عبارت دیگر وجود مشکلات رفتاری کودک به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آن‌ها با فرزندان ارتباط دارد. یانگ معتقد است که طرحواره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی در دوران کودکی بوجود می‌آیند که نیازها عبارتند از: دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع بینانه و خوب‌شدن داری (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۷) [۴]. هنگامی که کنش والدین و شرایط اجتماعی در حد بهینه و مطلوب باشد، در ساختار شخصیت کودکان در این پنج زمینه الگویی سالم ساخته می‌شود، اما چنانچه والدین و محیط اجتماعی در حد بهینه و مطلوب نباشد، کودک مستعد ایجاد طرحواره های ناسازگار اولیه در یک یا چند حوزه‌ی تحولی می‌شود (خسروی، سیف و عالی، ۱۳۸۶) [۵].

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل یک تحقیق توصیفی همبستگی می‌باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ریشه‌های والدینی طرحواره‌های یانگ با خودشیفتگی مرضی و ابعاد آن در دانشجویان دانشگاه‌های تهران است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران بود که در سال ۹۷-۹۶ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران (۷۶ مرد، ۷۴ زن) بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزار

شرکت‌کنندگان فرم پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ و مقیاس خودشیفتگی مرضی را تکمیل نمودند. پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری یانگ: این پرسشنامه دارای ۷۲ سوال بوده و هدف آن ارزیابی سبک‌های فرزندپروری والدین (محرومت هیجانی، رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری، وابستگی/بی‌کفایتی، نقص/شرم، شکست، اطاعت، ایثارگری، معیارهای سرسختانه، استحقاق/بزرگ منشی، خوب‌شدن داری/خودانضباطی ناکافی، گرفتار، منفی‌گرایی/بدبینی، بازداری هیجانی، تنبیه، پذیرش جویی/جلب توجه)، طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده است. خصیصه‌های روانسنجی این مقیاس را پس از تحلیل عاملی این گونه نشان دادند، که آلفای کرونباخ با دامنه ۰/۹۱/۰/۷۰ نشان داده شد همچنین، نتایج باز آزمایی بیانگر اعتبار بالا بود و اعتبار سازه در حد قابل قبولی بود. [۶] (منجم و همکاران، ۱۳۹۲). در ایران نیز فرم اصلی این پرسشنامه توسط صلواتی ترجمه شده و سپس در

۶۰ دانشجوی ایرانی اجرا گردیده است، با استفاده از روش دو نیمه سازی، برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ و برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ به دست آمد (صلواتی و همکاران، ۱۳۸۹) [۱۱۱].

مقیاس خودشیفتگی مرضی: مقیاس خودشیفتگی مرضی (پینکاس و همکاران، ۲۰۰۹) [۱۱۲] مقیاس خود گزارشی دارای ۵۲ گویه است که بر اساس طیف لیکرت ۶ درجه ای اصلا این طور نیستم تا خیلی زیاد این طوری هستم نمره گذاری می شود این ابزار دارای ۷ بعد یا مولفه است شامل حرمت خود مشروط، بهره کشی، ارتقای خود با از خود گذشتگی، پنهان سازی خود، خیال پردازی بزرگ منشانه، ارزش سازی و خشم محق. این ۷ مؤلفه در دو بعد سطح بالاتر خودشیفتگی بزرگ منشانه با مؤلفه های خیال پردازی بزرگ منشانه، بهره کشی و ارتقای خود با خودگذشتگی آسیب پذیر با مؤلفه های حرمت خود مشروط، پنهان سازی خود و خودشیفتگی، بی ارزش سازی و خشم محق قرار می گیرند که همگی این ابعاد تحت عنوان خودشیفتگی مرضی مشخص می شوند که توسط سلیمانی در سال ۱۳۹۴ در ایران روانسنجی گردید. پینکاس و همکاران (۲۰۰۹) [۱۱۳] ضرایب آلفای کرونباخ برای تمامی مقیاس ها را ۰/۷۸ و ۰/۹۳ برآورد کرده اند و آلفای کرونباخ برای نمره کل مقیاس خودشیفتگی مرضی برابر با ۰/۹۵ می باشد. سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴ نیز با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی روایی سازه این ابزار را نشان داده است. برای سنجش روایی همگرای مقیاس خودشیفتگی مرضی با مقیاس حرمت خود آیسنک، و برای سنجش روایی همگرای مقیاس خودشیفتگی مرضی با مقیاس تجدیدنظر شده شخصیت استفاده گردید (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴) [۱۱۴].

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در تحلیل داده ها علاوه بر محاسبه شاخص های توصیفی (شامل محاسبه جداول توزیع فراوانی، درصدها، شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی نظیر میانگین و واریانس و غیره)، شاخص های استنباطی محاسبه شده است. جهت تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ به تناسب فرضیه های پژوهش، از روش های t دوگروه مستقل و u مان ویتنی برای مقایسه متغیرهای پژوهش، و از روش Z فیشر برای مقایسه همبستگی بین متغیرهای پژوهش استفاده شده است.

یافته ها

بر اساس یافته های این پژوهش ۴۹/۳ درصد (۷۴ نفر) شرکت کنندگان در این مطالعه زن و ۵۰/۷ (۷۶ نفر) درصد شرکت کنندگان مرد بودند. میانگین سن شرکت کنندگان در این مطالعه ۲۹/۰۹ سال با انحراف استاندارد ۶/۲۱ بود؛ شرکت کنندگان در دامنه ۱۸-۴۹ سال قرار داشتند. به علاوه ۷/۳ درصد (۱۱ نفر) شرکت کنندگان در این مطالعه کاردانی، ۳۳/۳ درصد (۵۰ نفر) کارشناسی و ۵۹/۳ درصد (۸۹ نفر) شرکت کنندگان کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. در نهایت ۱۶ درصد (۲۴ نفر) شرکت کنندگان در این مطالعه در رشته های علوم پزشکی، ۳۶ درصد (۵۴ نفر) در رشته های فنی مهندسی و ۴۸ درصد (۷۲ نفر) شرکت کنندگان در رشته های انسانی و هنر تحصیل می کردند.

جدول ۱ شاخص های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی تحقیق (n=۱۵۰)

متغیر	مقیاس ها	میانگین	انحراف استاندارد	کشیدگی	چولگی	K-S	معناداری
ریشه های والدینی	محرومیت هیجانی	۱۷/۸۶	۶/۵۴۷	-۱/۲۶	۰/۱۱	۱/۳۹	۰/۰۵
	رهاشدگی	۷/۵۶	۳/۷۷۴	۰/۰۷	۰/۹۵	۲/۱۳	۰/۰۱
	بی اعتمادی	۷/۴۱	۴/۰۳۷	-۰/۵۱	۰/۸۲	۳/۶۱	۰/۰۱
	آسیب پذیری	۱۴/۴۳	۴/۲۶۱	-۰/۶۵	-۰/۰۸	۰/۹۰	۰/۳۹
	وابستگی	۷/۸۲۰	۳/۰۴۹	-۰/۷۵	۰/۱۳	۰/۹۶	۰/۳۲
	نقص یا شرم	۸/۵۶	۴/۵۱۰	۰/۳۵	۰/۹۶	۱/۹۱	۰/۰۱
	شکست	۸/۱۴	۴/۰۳۵	۰/۲۹	۰/۹۶	۱/۸۷	۰/۰۱
	اطاعت	۹/۱۱	۴/۰۴۶	-۰/۵۵	۰/۴۹	۱/۲۸	۰/۰۷
	ایتارگری	۱۰/۴۱	۳/۵۰۷	-۰/۴۴	۰/۳۳	۰/۹۹	۰/۲۸
	استحقاق	۲۰/۰۱	۵/۱۴۷	۰/۷۱	۰/۴۰	۱/۰۷	۰/۲۰
	معیارهای سرسختانه	۹/۹۷	۳/۴۶۹	-۰/۳۰	۰/۳۹	۰/۹۴	۰/۳۴
	خویشتن داری	۹/۵۳	۳/۷۶۰	-۰/۴۰	۰/۴۵	۱/۰۱	۰/۲۵
	خویشتن تحول نیافته	۱۰/۵۸	۳/۱۴۲	-۰/۲۶	۰/۴۷	۰/۹۱	۰/۳۸
	منفی گرایی	۱۰/۸۷	۳/۸۴۳	-۰/۰۹	۰/۲۵	۰/۹۵	۰/۳۲

۰/۲۴	۱/۰۲	۰/۰۸	۱/۰۹	۳/۸۳۶	۱۵/۰۹	بازداری هیجانی
۰/۶۵	۰/۷۶	۰/۴۱	-۰/۲۹	۳/۸۳۱	۱۰/۰۶	تنبیه
۰/۷۲	۰/۶۹	۰/۳۲	-۰/۳۴	۴/۰۹۷	۱۳/۱۳	پذیرش جویی
۰/۴۷	۰/۸۵	-۰/۱۷	-۰/۳۸	۳۳/۸۸۱	۱۰۵/۴۵	- خودشیفتگی مرضی

جدول ۱ اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان طور که در ستون‌های کشیدگی و چولگی دیده می‌شود تمام متغیرهای پژوهش کشیدگی و چولگی نرمال دارند؛ لذا داده‌های این پژوهش را احتمالاً به عنوان داده‌های نرمال می‌توان به حساب آورد. از این روی می‌توان به آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای اطمینان از نرمال بودن داده‌ها رجوع کرد. بر اساس یافته‌های ستون معناداری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف به غیر از متغیر بریدگی و طرد، دیگر داده‌ها نرمال است و می‌توان از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی فرضیه‌های مرتبط با این متغیرها استفاده کرد ولی برای متغیر بریدگی و طرد باید از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده کرد.

جدول ۲ آزمون Z فیشر برای مقایسه همبستگی خودشیفتگی با متغیرهای دیگر پژوهش به تفکیک جنسیت

P	Z	جنسیت		متغیر
		مرد	زن	
۰/۳۷	۰/۹۰	-۰/۱۳	۰/۰۲	محرومیت هیجانی
۰/۸۶	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۱۳	رهاشدگی
۰/۸۰	۰/۲۵	۰/۱۷	۰/۲۱	بی‌اعتمادی
۰/۲۷	-۱/۰۱	۰/۲۰	۰/۰۲	آسیب‌پذیری
۰/۸۵	-۰/۱۹	۰/۲۴	۰/۲۷	وابستگی
۰/۸۶	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۱۷	نقص یا شرم
۰/۵۴	۰/۶۱	۰/۰۴	۰/۱۴	شکست
۰/۷۵	۰/۳۲	۰/۲۰	۰/۲۵	اطاعت
۰/۳۶	۰/۹۲	۰/۰۷	۰/۲۲	ایثارگری
۰/۵۹	-۰/۵۵	۰/۱۶	۰/۰۷	استحقاق
۰/۹۰	-۰/۱۳	۰/۲۲	۰/۲۰	معیارهای سرسختانه
۰/۹۰	-۰/۱۳	۰/۲۲	۰/۲۰	خویشتن‌داری
۰/۹۰	-۰/۱۳	۰/۲۲	۰/۲۰	خویشتن‌تحول نیافته
۰/۳۴	۰/۹۵	۰/۱۵	۰/۳۰	منفی‌گرایی
۰/۰۷	۱/۸۶	۰/۰۴	۰/۳۳	بازداری هیجانی
۰/۳۱	۱/۰۲	۰/۱۵	۰/۳۱	تنبیه
۰/۲۴	۱/۱۸	۰/۰۹	۰/۲۸	پذیرش جویی

بر اساس یافته‌های جدول ۲ هیچ تفاوت معناداری بین همبستگی خودشیفتگی با ریشه‌های والدینی طرحواره‌های یانگ در دانشجوی زن و مرد دانشگاه‌های تهران وجود ندارد.

نتایج مقایسه‌ی میانگین بین ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار یانگ و خودشیفتگی مرضی به تفکیک جنسیت بر اساس آزمون t در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳ آزمون t برای مقایسه میانگین نمرات متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

P	T	آزمون همسانی واریانس‌های لیون		میانگین (انحراف معیار)		متغیر
		P	F	مرد	زن	
۰/۱۱	۱/۵۶	۰/۰۸	۳/۰۸	۱۷/۰۲(۶/۱۴)	۱۸/۷۲(۶/۸۷)	محرومیت هیجانی
۰/۱۸	۱/۳۳	۰/۳۰	۱/۱۰	۷/۹۷(۳/۹۷)	۷/۱۵(۳/۵۴)	رهاشدگی
۰/۴۹	۰/۶۹	۰/۴۰	۰/۷۱	۷/۶۴(۴/۱۴)	۷/۱۸(۳/۹۵)	بی‌اعتمادی
۰/۰۲	۲/۳۵	۰/۲۳	۱/۴۲	۹/۴۰(۴/۶۶)	۷/۶۹(۴/۲۱)	نقص یا شرم
۰/۱۵	۱/۴۴	۰/۴۸	۰/۵۰	۸/۶۰(۴/۲۳)	۷/۶۶(۳/۸۰)	شکست
۰/۱۸	۱/۳۷	۰/۵۱	۰/۴۳	۱۱۱/۹۲(۳۰/۷۴)	۱۰۴/۸۸(۳۲/۸۳)	خودشیفتگی

بر اساس یافته‌های جدول ۳ همسانی واریانس‌ها که شرط لازم برای اجرای آزمون t است برای تمام متغیرها برقرار است. براساس نتایج ستون t تنها بین میانگین طرحواره‌ی نقص یا شرم ($p=0/02$, $t=2/35$) در زنان و مردان تفاوت وجود دارد. نتایج مقایسه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار یانگ به تفکیک جنسیت بر اساس آزمون u مان‌ویتنی در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴ آزمون u مان‌ویتنی برای مقایسه طرحواره‌های ناسازگار به تفکیک جنسیت

P	U	میانگین رتبه		متغیر
		مرد	زن	
۰/۱۳	۲۴۱۱/۰۰	۷۰/۲۲	۸۲/۹۲	آسیب‌پذیری
۰/۳۱	۲۵۴۰/۵۰	۷۹/۰۵	۷۱/۸۶	وابستگی
۰/۲۹	۲۵۳۱/۵۰	۷۹/۱۹	۷۱/۷۱	اطاعت
۰/۲۵	۲۵۰۶/۵۰	۷۹/۵۲	۷۱/۳۷	ایثارگری
۰/۴۷	۲۶۲۱/۰۰	۷۸/۰۱	۷۲/۹۲	استحقاق
۰/۴۸	۲۶۲۳/۵۰	۷۷/۹۸	۷۲/۹۵	معیارهای سرسختانه
۰/۱۶	۲۴۴۲/۵۰	۸۰/۳۶	۷۰/۵۱	خویشتن‌داری
۰/۱۷	۲۵۷۴/۰۰	۷۸/۶۳	۷۲/۲۸	خویشتن‌تحول نیافته
۰/۱۱	۲۳۹۰/۵۰	۸۱/۰۵	۶۹/۸۰	منفی‌گرایی
۰/۲۱	۲۴۷۸/۰۰	۷۹/۸۹	۷۰/۹۹	بازداری هیجانی
۰/۰۶	۲۳۱۱/۰۰	۸۲/۰۹	۶۸/۷۳	تنبیه
۰/۶۵	۲۶۹۱/۵۰	۷۷/۰۹	۷۳/۸۷	پذیرش‌جویی

بر اساس یافته‌های جدول ۴ هیچ تفاوت معناداری در ریشه‌های والدینی طرحواره‌های یانگ بین زنان و مردان وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه‌ی معناداری بین ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار یانگ و خودشیفتگی مرضی وجود دارد. ارتباط یادشده در بین زنان و مردان تفاوتی معنادار نداشت؛ همچنین مقایسه‌ی میانگین نمرات زنان و مردان در این مطالعه تفاوت معناداری نداشت. و تنها در مقیاس نقص یا شرم در زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده شد. این یافته با پژوهش‌های زیگلر هیل^۱، گرین^۲، آرنائو^۳، سیسمور^۴ و می‌پرز^۵ (۲۰۱۱) [۱۱] و ضابطی و جعفری (۱۳۹۶) [۱۲] تطابق دارد.

امروزه مخصوصاً از زمانی که زنان وارد بازار کار شده‌اند و دوش به دوش مردان کار می‌کنند، تفاوت‌های آن‌ها، مخصوصاً در میان افرادی با تحصیلات دانشگاهی، بسیار کم شده است. منظور از کاهش تفاوت‌های آن‌ها این است که در مقیاس‌هایی از این نوع، نتایج مشابه به دست می‌آوردند [۱۱] (گنجی، ۱۳۸۴؛ نقل از علوی‌زاده و انتظار، ۱۳۹۲). نقص یا شرم و محرومیت هیجانی دو طرحواره‌ی اصلی در افراد دارای اختلال شخصیت خودشیفته هستند. اغلب افراد خودشیفته، احساس نقص و بی‌ارزشی می‌کنند و از خود واقعی‌شان شرم‌سارند. از این روی از ورود دیگران به زندگی‌شان و ایجاد روابط صمیمی پیشگیری می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) [۱۳]. بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته درباره صمیمیت دچار دوسوگرایی عاطفی هستند، آنها سالهاست که مشتاق روابط صمیمی هستند، اما به محض اینکه وارد روابط صمیمی می‌شوند احساس ناخوشایندی به آنها دست می‌دهد و محبت دیگران را پس می‌زنند. می‌توان این پدیده را به تنش بین طرحواره‌های محرومیت هیجانی و نقص ربط داد، احساس محرومیت، آن‌ها را به سمت روابط صمیمی ترغیب می‌کند، اما احساس نقص یا بی‌ارزشی باعث می‌شود خودشان را از این روابط کنار بکشند.

محرومیت هیجانی و شرم یا نقص به عنوان طرحواره‌های اصلی در خودشیفتگی هستند که بخشی از خودشیفتگی به سبک کودک تنها می‌باشد [۱۴] (یانگ، کلاسکو و ویشار، ۲۰۰۳). در نهایت این ذهنیت نوعی ذهنیت کودک آسیب‌پذیر است که در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت خودشیفته مشاهده می‌شود. بیشتر این بیماران مثل کودک تنهایی هستند که در صورتی احساس ارزشمندی می‌کنند که به والدین خود زورگویی کنند. با این وجود، این بیماران معمولاً از این احساس اصلی خود، آگاهی ندارند، به دلیل این که مهمترین نیازهای هیجانی این بیماران در دوران کودکی ارضاء نشده است، این بیماران معمولاً احساس خلاء و تنهایی می‌کنند. افراد دارای ریشه‌های والدینی طرحواره‌ی محرومیت هیجانی احساس می‌کنند عاشقانه آن‌ها را دوست نداشته‌اند یا صمیمیت‌شان را به صورت جسمی به آن‌ها نشان نمی‌دادند، والدینشان به آن‌ها زمان زیادی را اختصاص نمی‌دادند و آن‌ها را راهنمایی نمی‌کردند.

در نهایت به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی بین ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ با خودشیفتگی مرضی در نمونه‌ی دانشجویی ارتباط وجود دارد. از آنجایی که خودشیفتگی به طور کلی و نه به صورت سبک‌های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است واریانس درون‌گروهی بالایی وجود داشته است. به عبارت دیگر سبک‌های متفاوت اثرات یک دیگر را در فرمول همبستگی خنثی کرده‌اند؛ و به همین دلیل می‌توان دید که همبستگی‌های مشاهده شده اغلب در دامنه‌ی ضعیف قرار داشته‌اند. از آنجایی که خودشیفتگی‌های متفاوتی وجود دارد این یافته قابل تبیین است. به عنوان مثال افراد خودشیفته با ذهنیت خودبزرگ‌بین نمرات پایین و افراد خودشیفته با ذهنیت کودک آسیب‌پذیر نمرات بالایی در این طرحواره به دست می‌آورند. این دلیلی است بر این یافته زیرا نمرات این دو سبک نمرات یکدیگر را خنثی می‌کنند و در نتیجه همبستگی نزدیک به صفر دیده می‌شود و به همین دو دلیل عدم وجود تفاوت‌ها در ریشه‌های والدینی طرحواره‌های ناسازگار قابل مشاهده است.

"این مقاله از پایان‌نامه نویسنده اول جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفوسور حسابی تفرش استخراج شده است."

¹ Zeigler-Hill

² Green

³ Arnau

⁴ Sisemore

⁵ Meyers

منابع و مراجع

- [۱] آلن، ف. (۱۳۹۲). *مبانی تشخیص روانپزشکی بر اساس DSM-5* ترجمه ع. منصوری راد. تهران: نشر ارجمند.
- [۲] سلیمانی، م. (۱۳۹۴). ویژگی های روانسنجی مقیاس خود شیفتگی مرضی. *روانشناسی معاصر*. ۱(۱۰). ۹۵-۱۱۰.
- [۳] یانگ، ج. کلوسکو، ژ. ویشار، م. (۱۳۸۹). *طرحواره درمانی*. ترجمه ح. حمیدپور و ز. اندوز، تهران: ارجمند.
- [۴] ذوالفقاری، م. فاتحی زاده، م. عابدی، م. ر. (۱۳۸۷). تعیین رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه با صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه خانواده پژوهی*. پاییز، سال چهارم (۱۵)، ص ۲۴۷-۲۶۱.
- [۵] خسروی، ز. سیف، سو. عالی، ش. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ی بین نوع فرایند طرحواره ای و نگرش به ازدواج. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*. زمستان، ۱(۴)، ص ۳۱-۴۰.
- [۶] منجم، ع. آقاپوسفی، ع.، زارع، ح. (۱۳۹۲). مقایسه حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های فرزندپروری و تله های زندگی زنان مطلقه و عادی. *مجله علوم رفتاری*، ۴؛ ۲، ۱۳۳-۱۴۴.
- [7] Pincus, A. L., Ansell, E. B., Pimentel, C. A., Cain, N. M., Wright, A. G., & Levy, K. N. (2009). Initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological assessment*, 21(3), 365.
- [8] Zeigler-Hill, V., Green, B. A., Arnau, R. C., Sisemore, T. B., & Myers, E. M. (2011). Trouble ahead, trouble behind: Narcissism and early maladaptive schemas. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 42(1), 96-103. doi: <https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2010.07.004>.
- [۹] ضابطی، ع. س؛ و جعفری، صدیقه. (۱۳۹۶). الگوی ساختاری سبک های والدگری، طرحواره های ناسازگار اولیه و خودشیفتگی نوجوانان. *روانشناسی کاربردی*، ISSN 2008-4331, [S.1.], aug. 2017. <http://apsy.sbu.ac.ir/article/view/17327> < تاریخ دسترسی: 09 Dec. 2017 >
- [10] Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*: Guilford Publications.